

رشد اجتماعی بید

حبیب‌الله رحیمی

دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی قائنات

فرخنده مفیدی

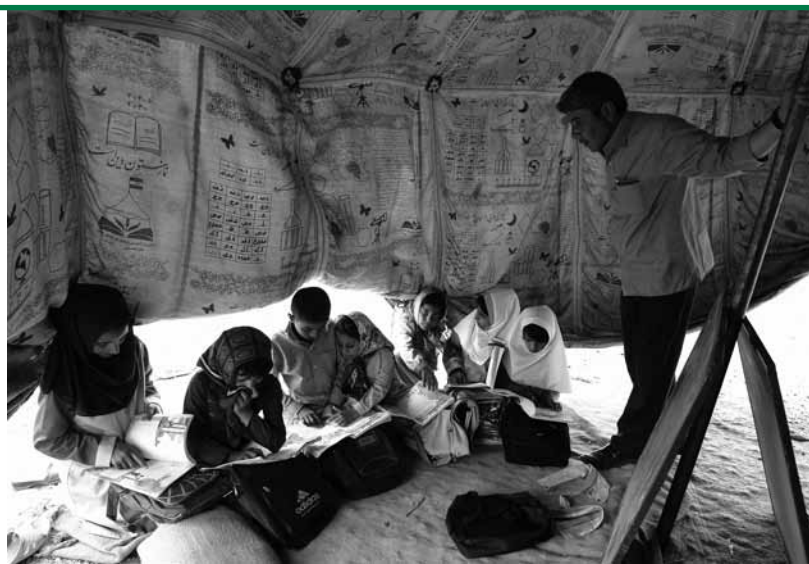
دکترای تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی

مجید پاکدامن

دکترای روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران



خیمه کلاس عشایری نمادی از تلاش آموزشی در عشایر ایران



چکیده

نشانگرهای اساسی رشد اجتماعی را می‌توان در انس و الفت با دیگران، اعتماد به نفس، پیروی از هم‌سالان، گسترش فعالیت‌های اجتماعی، علاقه به انتقاد و اصلاح، رغبت به یاری دیگران و علاقه به رهبری جست‌وجو کرد. بعد از خانواده و مدرسه، کلاس درس مهم‌ترین عاملی است که در اجتماعی

شدن کودکان نقش دارد. کلاس‌های درس از نظر حضور تعداد پایه‌های تحصیلی یکسان یا متفاوت، به دو گروه مجزای کلاس‌های درس تک‌پایه و کلاس‌های درس چندپایه تقسیم می‌شوند. هدف اصلی از انجام این پژوهش مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه با دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه بوده است.

نتایج نشان داد تفاوت نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس چندپایه با نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس تک‌پایه در سطح « $p < 0.001$ » معنی‌دار است. نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه بیشتر از نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه است. در مقایسه مؤلفه‌ها مشاهده شد، بین سه مؤلفه از هفت مؤلفه رشد اجتماعی (مشغولیت، ارتباطات و اجتماعی بودن) در این دو گروه دانش‌آموزان تفاوت معنی‌داری در سطح « $p < 0.01$ » وجود دارد. بین بهره اجتماعی دانش‌آموزان دختر و پسر کلاس‌های چندپایه با دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه تفاوت معنی‌داری در سطح « $p < 0.001$ » مشاهده شد.

کلیدواژه‌ها: رشد اجتماعی، کلاس‌های چندپایه، کلاس‌های تک‌پایه

مشترک‌ترین کلاس‌های چند پایه

مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های چند پایه با تک پایه



زندگی اجتماعی به سازگاری با دیگران، توافق با آنان و تا حدی کوشش برای برآوردن انتظارات نیاز دارد. افزایش روزافزون افرادی که برای برقراری ارتباط با دیگران مشکل دارند، یا افرادی که دستخوش ترس از برخوردهای اجتماعی‌اند و یا نوجوانانی که دچار اضطراب، افسردگی و انزوای اجتماعی هستند، مشکلات رشد اجتماعی و عامل‌های مرتبط با آن را به‌عنوان مسئله‌ای قابل توجه در جوامع مطرح می‌کند. «رشد اجتماعی»^۱ به زبان ساده یعنی اینکه فرد بتواند روابط اجتماعی برقرار کند. به عبارت دیگر، وقتی فرد یاد گرفت که با معیارهای گروه، خلیقات و سنت‌ها هم‌نویسی کند و به مرحله‌ای رسید که با جامعه‌اش ارتباط و تعاون داشته باشد، می‌گوییم که از لحاظ اجتماعی رشد و تکامل یافته است [شعاری‌نژاد، ۱۳۷۰].

داده‌های پژوهشی گوناگون حاکی از آن هستند که بروز مواردی چون بزهکاری، افت تحصیلی و ناسازگاری مدرسه‌ای، به همراه ضعف در رشد اجتماعی به چشم می‌خورند. [Lieberman, 1989]. معلمان و مربیان در رشد اجتماعی دانش‌آموزان نقش بسزایی ایفا می‌کنند. در این میان، مدرسه در انتقال هنجارها و ارزش‌های جامعه به دانش‌آموز نقش حیاتی بر عهده دارد [شعاری‌نژاد، ۱۳۸۰]. مدرسه می‌تواند با فراهم آوردن فرصت‌های گروهی برای آموزش مهارت‌های ارتباطی و رشد اجتماعی، به دانش‌آموزان کمک کند.

کلاس‌های درس از نظر حضور تعداد پایه‌های تحصیلی یکسان یا متفاوت، به دو گروه مجزای «کلاس‌های درس تک‌پایه» و «کلاس‌های درس چندپایه»^۲ تقسیم می‌شوند. کلاس‌های چندپایه برای گام برداشتن در مسیر آموزش مهارت‌های ارتباطی و رشد اجتماعی امکانات بیشتری را به همراه دارند [آقازاده و فتحی، ۱۳۸۹]. کلاس چندپایه از چندپایه تحصیلی (دو سه پایه یا بیشتر) تشکیل می‌شود و به همه دانش‌آموزان آن، در تمام طول سال تحصیلی یک معلم آموزش می‌دهد. در کلاس‌های چندپایه، دانش‌آموزانی در سنین متفاوت و با توانایی‌ها و مهارت‌های متفاوت شرکت می‌کنند [کیایی، ۱۳۸۲].

نگاه‌های مختلفی به کلاس‌های درس چندپایه وجود دارد. برخی این کلاس‌ها را در زمره معضلات نظام آموزشی می‌دانند که باید از میان برداشته شود. بعضی دیگر، وجود این کلاس‌ها را



به مثابه فرصتی برای آموزش و پرورش بهینه به شمار می‌آورد. بررسی ادبیات کلاس‌های درس چندپایه، در سال‌های اخیر نشان می‌دهد در نظام‌های آموزشی پیشرفته (نظیر نظام آموزشی ایالات متحده، کانادا و...) کلاس‌های درس چندپایه به صورت عمدی ایجاد می‌شوند. به دیگر سخن، در کشورهای پیشرفته با وجود امکان دسترسی به آموزش و تسهیلات برای برگزاری کلاس‌های درس تک‌پایه، در دوره ابتدایی نگاه‌ها به ایجاد کلاس‌های درس چندپایه معطوف است.

اگرچه مانسون و برنر (۱۹۹۶) معتقدند ماهیت تدریس در کلاس‌های چندپایه کیفیت آموزش را کاهش می‌دهد و یمن (۱۹۹۶) نیز در مصاحبه با معلمان کلاس‌های چندپایه در هلند از استرس این معلمان خبر می‌دهد، ولی توسعه کلاس‌های چندپایه در بسیاری از کشورها به‌عنوان یک ضرورت شناخته شده است [فضلی، ۱۳۸۲].

سیمون و یمن در تحقیقی که نتایج آن را در سال ۱۹۹۵ منتشر کردند، ضمن بررسی ۶۵ تحقیق در زمینه کلاس‌های چندپایه که ۳۳ مورد آن‌ها در ایالات متحده انجام گرفته بودند، نتایج تست‌های استاندارد را در کلاس‌های تک‌پایه یا چندپایه مقایسه کردند و نتیجه گرفتند که عموماً نتایج برابر هستند؛ در حالی که تحقیقات دیگر تفاوت‌هایی را گزارش کرده‌اند. بررسی تأثیرات کلاس‌های چندپایه در کالیفرنیا نشان می‌دهد، این کلاس‌ها ضمن اینکه فرصت خوبی برای انجام کار گروهی و برقراری ارتباط دانش‌آموزان با یکدیگر فراهم می‌کنند، رشد اجتماعی و درک متقابل آنان را نیز بالا می‌برند و زمینه‌ساز دوستی با دانش‌آموزان پایه‌های دیگر هستند که خود این امر سبب می‌شود، دانش‌آموزان به نظرات یکدیگر اهمیت بدهند. بررسی‌ها در مجموع نشان می‌دهند، در صورتی که کلاس‌های چندپایه از طرف مسئولان و والدین حمایت شوند، بسیار موفق خواهند بود [کیایی، ۱۳۸۲].

مددی پایان‌نامه‌ای با موضوع «بررسی و مقایسه مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس و پیشرفت درسی

در کشورهای پیشرفته با وجود امکان دسترسی به آموزش و تسهیلات برای برگزاری کلاس‌های درس تک‌پایه، در دوره ابتدایی نگاه‌ها به ایجاد کلاس‌های درس چندپایه معطوف است

بین دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه و تک‌پایه به انجام رسانده است. وی هدف از انجام این پژوهش را، مقایسه مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس و پیشرفت درسی بین دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه و تک‌پایه بیان کرده است. گروه نمونه این تحقیق مشتمل بر ۲۶۱ نفر (۴۹ دختر و ۸۱ پسر تک‌پایه و ۵۶ دختر و ۷۵ پسر چندپایه) است که در سال تحصیلی ۸۳-۸۲ در پایه پنجم ابتدایی به تحصیل اشتغال داشتند. در این تحقیق از سه ابزار پرسش‌نامه عزت نفس پوپ، پرسش‌نامه رشد مهارت‌های اجتماعی و آزمون ریاضی معلم ساخته استفاده شد. پس از جمع‌آوری داده‌ها، آمارهای توصیفی مناسب و آزمون t مستقل برای مقایسه دو گروه به کار گرفته شد. به استناد یافته‌های این پژوهش، بین دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه و تک‌پایه از نظر میزان مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت درسی تفاوت معناداری وجود دارد. دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه، مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت درسی بالاتری را نسبت به دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه نشان دادند. بین این دو گروه (کلاس‌های چندپایه و تک‌پایه) از نظر عزت نفس تفاوت معناداری مشاهده نشد و فقط در خرده آزمون‌های عزت نفس (عزت نفس تحصیلی)، میانگین نمره‌های دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه نسبت به تک‌پایه بالاتر بود [مددی، ۱۳۸۳].

در بسیاری از کشورها تحقیقات گسترده‌ای در زمینه کلاس‌های چندپایه انجام شده است، زیرا در این کشورها توسعه کلاس‌های چندپایه به‌عنوان یک ضرورت شناخته شده است. بررسی‌ها در ایالات گوناگون آمریکا نشان می‌دهند که گرچه روش گروه‌بندی براساس سن هنوز در حال توسعه است و مخالفت‌هایی با کلاس‌های چندپایه می‌شود، اما در برخی از ایالت‌ها، این کلاس‌ها برای متخصصان آموزشی یک انتخاب برتر محسوب می‌شود. در بسیاری از مدرسه‌ها، معلمان پیشنهاد ادغام کلاس‌ها را کرده‌اند و حتی دیوار کلاس‌ها را برداشته‌اند؛ زیرا معتقدند افرادی که در جامعه و خانواده زندگی می‌کنند، چند سنی هستند و آموزش باید نمونه‌ای از زندگی واقعی باشد. بنابراین، برای اینکه کلاس‌ها انعکاسی از زندگی واقعی باشند، دانش‌آموزانی با سنین متفاوت می‌توانند در یک کلاس حاضر شوند.

ماریانو، در تحقیقی با عنوان «کنسبات دانش‌آموزان در کلاس‌های چندپایه»، تأثیر ساختار کلاس را بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی مطالعه کرده است. در این تحقیق ۱۹۰۰ نفر دانش‌آموز پایه‌های سوم، چهارم و پنجم ابتدایی حضور داشتند. نتایج این تحقیق در درس ریاضی نشان داد که نمرات دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه ۰/۱ انحراف استاندارد پایین‌تر از دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه است.



تفاوت‌های مشاهده شده در کلاس‌های بالاتر یعنی چهارم و پنجم بیشتر شد و از نظر آماری معنی‌دار بود [آریانو، ۲۰۰۹].

پاروان و میلر بروس در تحقیقات دیگری نشان دادند که برنامه‌های کلاس‌های چندپایه باعث ارتقای سطح آموزش در بسیاری از مدرسه‌ها شده و نتایج بهتری از آموزش سنتی داشته است. پاروان ۶۴ مورد مطالعه در آمریکا و کانادا انجام داد و متوجه شد که اکثر کلاس‌های چندپایه (۵۸ درصد) در پاسخ به تست‌ها، موفقیت بیشتری داشته‌اند و در مورد بهداشت روانی نیز ۵۲ درصد آن‌ها از وضع بهتری برخوردار بوده‌اند.

روش تحقیق

جامعه آماری و طرح پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل همه دانش‌آموزان کلاس پنجم دبستان‌های دولتی شهرستان میامی است که در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ به تحصیل اشتغال داشتند. براساس اطلاعات گرفته شده از اداره کل آموزش و پرورش میامی، این شهرستان ۴۹ مدرسه دولتی دارد که ۳۹ واحد از این تعداد به صورت چندپایه و ۱۰ واحد به صورت تک‌پایه اداره می‌شوند. تعداد کل دانش‌آموزانی که در این مدارس مشغول به تحصیل بودند، ۳۹۱۲ نفر بود. ۷۲۰ نفر از آن‌ها کلاس پنجمی بودند که جامعه آماری این پژوهش را تشکیل دادند. ۳۵۰ نفر آن‌ها دختر و ۳۷۰ نفر آن‌ها پسر بودند. ۴۸۰ نفر از این ۷۳۰ نفر در کلاس‌های چندپایه و ۲۳۰ نفر در کلاس‌های تک‌پایه به تحصیل اشتغال داشتند. با توجه به مطالعات و زمینه‌یابی‌های انجام شده (برای روش علی و مقایسه‌ای) و با توجه به حجم جامعه ۷۲۰ نفری، تعداد نمونه ۱۲۰ نفری در دستور کار قرار داده شد که با احتمال ریزش و وجود پرسش‌نامه‌های مشکل‌دار، ۱۳۵ نفر مورد آزمون قرار گرفتند. در نهایت ۱۲۰ پرسش‌نامه سالم به دست آمد که برای بررسی فرضیه‌های تحقیق از نتایج تحلیل‌های اطلاعات آن‌ها استفاده شد. بعد از تعیین حجم نمونه در جامعه آماری مذکور، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چندمرحله‌ای اعمال شد. در این نمونه‌گیری سعی شد توازن جنسیت کنترل شود. این پژوهش از نوع «علی - مقایسه‌ای» است.

ابزار پژوهش

«مقیاس بلوغ اجتماعی واینلند»^۳ یکی از مقیاس‌های تحولی است که با میزان توانایی فرد در برآوردن نیازهای عملی خود و قبول مسئولیت سروکار دارد. گرچه این مقیاس گستره سنی تولد تا بالاتر از ۲۵ سال را در برمی‌گیرد و تا ۱۲ سالگی برای هر سال، سؤال‌های مجزا دارد، اما از ۱۲ سالگی به بعد برای ۱۲ تا ۱۵ سالگی، ۱۵ تا ۱۸ سالگی، ۱۸ تا ۲۰ سالگی،

۲۰ تا ۲۵ سالگی و از ۲۵ سالگی به بالا سؤالات مشترک دارد. با این حال معلوم شده است که کارآمدی آن در سنین پایین‌تر و به‌ویژه در گروه‌های عقب‌مانده ذهنی به حداکثر می‌رسد. این مقیاس ۱۱۷ ماده دارد که به گروه‌های یک ساله تقسیم شده‌اند. در هر ماده اطلاعات مورد نیاز نه از طریق موقعیت‌های آزمون، بلکه از راه مصاحبه با مطلعین یا خود شرکت‌کننده به دست می‌آید. اساس مقیاس بر این امر استوار است که فرد در زندگی روزمره توانایی چه کارهایی را دارد. ماده‌های مقیاس را می‌توان به هشت طبقه تقسیم کرد: خودیاری عمومی، خودیاری در غذاخوردن، خودیاری در لباس پوشیدن، خودفرمانی، اشتغال، ارتباط زبانی، جابه‌جایی و «اجتماعی شدن»^۴. با توجه به نمره‌های شخص روی مقیاس می‌توان «سن اجتماعی» (SA) و «بهره اجتماعی» (SQ) را محاسبه کرد.

روایی و اعتبار: مقیاس واینلند روی ۶۲۰ نفر (شامل ۱۰ مرد و ۱۰ زن) در هر یک از گروه‌های سنی از تولد تا ۳۰ سالگی، هنجاریابی شده است. لازم به ذکر است که در این نمونه تعداد افراد در هر یک از گروه‌های سنی بسیار کم بود، و نیز با توجه به اینکه اکثر افراد مورد آزمایش از طبقه متوسط جامعه بودند، نمی‌توان چنین نمونه‌ای را معرف کل جامعه تلقی کرد. ضریب پایایی با بازآزمایی ۱۲۳ نفر، ۰/۹۲ گزارش شده است؛ با این توضیح که فاصله بازآزمایی از یک روز تا ۹ ماه بوده است.

بهره اجتماعی (SQ): برای به دست آوردن بهره اجتماعی، ابتدا نمره‌هایی را که کودک از هر سؤال می‌گیرد با هم جمع می‌کنیم و آن‌گاه در جدول پیوست، سن اجتماعی (SA) معادل نمره خام به دست آمده را می‌یابیم. سپس بهره اجتماعی (SQ) را با استفاده از فرمول مربوطه محاسبه می‌کنیم. SA و CA (سن تقویمی) به دست آمده به یک واحد تبدیل می‌شوند، یعنی هر دو را یا به سال یا به ماه حساب می‌کنیم. نتیجه به دست آمده، یعنی SQ نمره‌ای است که روان‌شناس براساس آن و با توجه به شناخت کودک و هنجارهای اجتماعی جامعه، قضاوت می‌کند که آیا نمره‌ای که کودک گرفته نشانگر نقص در «رفتار سازشی» است یا خیر. رفتار سازشی یعنی سازگاری فرد با توجه به سن خود در مورد روابط اجتماعی و فرهنگی [شیوه‌نامه مقیاس رشد واینلند، ۱۳۸۵].

شیوه اجرا

در مجموع اطلاعات مورد نیاز برای فرضیه آزمایی این پژوهش با دو روش مطالعات کتابخانه‌ای و روش میدانی جمع‌آوری شد. بعد از مطالعات کتابخانه‌ای، با استفاده از روش‌های میدانی اطلاعات توسط پرسش‌نامه‌ها جمع‌آوری شد تا با بررسی و تحلیل هر چه دقیق‌تر آن‌ها فرضیه‌های این پژوهش به چالش گذاشته شوند و اهداف پژوهش به نتیجه برسند.

در این راستا از پرسش‌نامه رشد اجتماعی وایلدن نسخه‌های مجزایی برای پدر، مادر و خود دانش‌آموز تهیه و قرار شد که والدین به صورت مجزا پرسش‌نامه‌ها را تکمیل کنند. ۲۷ نفر از والدین به دلیل کم‌سواد بودن توانایی تکمیل پرسش‌نامه‌ها را نداشتند که در این امر به آن‌ها کمک شد. در مرحله بعد پرسش‌نامه‌ها جمع‌آوری و نمره‌گذاری شدند تا با استفاده از روش‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرند.

نتایج

در این پژوهش به منظور مقایسه رشد اجتماعی در دانش‌آموزان دختر و پسر کلاس‌های چندپایه و کلاس‌های تک‌پایه تکالیف متفاوتی اجرا شد. رشد اجتماعی دانش‌آموزان با توجه به پاسخگویی آن‌ها و والدینشان به پرسش‌نامه رشد اجتماعی سنجیده شد.

در اولین مرحله، ساختار کلاس که متغیر مستقل این پژوهش است، به تفکیک جنسیت مورد بررسی قرار گرفت که خلاصه‌ای از یافته‌های این بررسی در جدول ۱ گزارش شده است. در جدول ۱ مشاهده می‌شود گروه نمونه از نظر ساختار کلاس در دو طبقه مجزای کلاس‌های تک‌پایه و کلاس‌های چندپایه قرار گرفته‌اند. از گروه نمونه، ۶۰ نفر شامل ۲۸ دختر و ۳۲ پسر در کلاس‌های تک‌پایه اشتغال به تحصیل دارند.

همچنین، ۶۰ نفر از گروه نمونه در کلاس‌های چندپایه درس می‌خوانند که ۳۱ نفر آن‌ها دختر و ۲۹ نفر آن‌ها پسر هستند. در کل ۵۹ نفر از گروه نمونه معادل ۴۹/۲ درصد دختر و ۵۱ نفر معادل ۵۰/۸ درصد پسر هستند.

به منظور مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه با دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه از آزمون تی مستقل استفاده شد. نتایج در جدول ۲ گزارش شده‌اند.

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، مقدار t به دست آمده برای مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس چندپایه با نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس تک‌پایه به مقدار ۳/۶۷۶ و با درجه آزادی ۱۱۸ در سطح $P < 0/000$ معنادار است. به عبارت دیگر، بین رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه با دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه تفاوت معناداری مشاهده شد و فرضیه اصلی این پژوهش تأیید می‌شود. نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه بیشتر از نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه است.

بحث

با بررسی مقادیر میانگین‌ها مشخص شد که نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه (۴۹/۹)

جدول ۱. فراوانی وضعیت ساختار کلاس به تفکیک جنسیت

کل	جنسیت		وضعیت ساختار کلاس	
	پسر	دختر	فراوانی	تک‌پایه
۶۰	۳۲	۲۸	فراوانی	تک‌پایه
۵۰/۰	۲۶/۷	۲۳/۳	درصد	تک‌پایه
۶۰	۲۹	۳۱	فراوانی	چندپایه
۵۰/۰	۲۴/۲	۲۵/۸	درصد	چندپایه
۱۲۰	۶۱	۵۹	فراوانی	کل
۱۰۰/۰	۵۰/۸	۴۹/۲	درصد	کل

جدول ۲. نتایج آزمون تی مستقل برای مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه با دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه

p	df	t	Sd	M	N	میزان رشد اجتماعی
۰/۰۰۰	۱۱۸	۳/۶۷۶	۵/۲۰	۴۶/۹۶	۶۰	دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه
			۳/۶۹	۴۹/۹۸	۶۰	دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه

پی‌نوشت

1. Social development
2. Multigrade classrooms
3. WINELEND
4. Socialization

منابع

۱. آقازاده، محرم و فضل‌ی، رخساره (۱۳۸۹). *راهنمای آموزش در کلاس‌های درس چندپایه*. انتشارات آبیژ، تهران، چاپ هشتم.
۲. امیرتاش، علی‌محمد؛ سبحانی‌نژاد، مهدی؛ عابدی، احمد. (۱۳۸۵). *مقیاسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان پسر ورزشکار و غیرورزشکار دوره راهنمایی تحصیلی*. المپیک. تابستان ۱۳۸۵.
۳. برج، ایان و لالی، مایک (۱۳۷۹). *تدریس چندپایه در مدارس ابتدایی*. ترجمه پریوش جعفری. وزارت آموزش و پرورش. دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی. ۱۳۷۹.
۴. حاجی اسحاق، سهیلا؛ حشمتی، فرخ‌لقا؛ مساعدمقدم، تقی (۱۳۸۳). *فرایند یاددهی یادگیری در کلاس‌های چندپایه*. مؤسسه کوروش. تهران.
۵. دمیرچی لو، محمد (۱۳۷۲). *سودمندی آموزش مهارت اجتماعی*. ماهنامه تربیت. تهران. شماره ۸. ۱۳۷۲.
۶. علیین، حمید (۱۳۸۴). *مقیاسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد شهر تهران: دانش‌ور رفتار*. اسفند ۱۳۸۴.
۷. مک‌هارد، ریچارد و پرتیچارد، وندی (۱۳۸۲). *مدیریت تحول و نوآوری*. ترجمه مهدی ایران‌نژاد پاریزی. نشر مدیران. تهران.
۸. فاتحی‌زاده، مریم، (۱۳۸۰). *بررسی عملکرد مدارس در پرورش مهارت‌های اجتماعی*. شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان اصفهان.
۹. میلر، بروس (۱۹۹۰). *بررسی تحقیقات کمی در مورد تدریس چندپایه*. ترجمه پریوش جعفری، مجله رشد معلم، دوره ۱۴. شماره ۱.
10. Barkely, R. A. (2003). Issues in the diagnosis of attention- deficit/ hyperactivity disorder in children. *Brain and development*, 25, 77- 83.
11. Hervey, A. S., Epstein, J. N., & Cury, J. F. (2004). Neuropsychology of adults with attention-deficit hyperactivity disorder: A meta-analytic review. *Neuropsychology*, 18(3), 485-503.
12. Hill, L (2003). *Module MG. I introduction to multigrade teaching*. Papua New Guinea: PASTEP.
13. L. T. MARIANO, SHEILA NATARAJ KIRBY. (2009). Achievement of Students in Multigrade Classrooms Evidence from the Los Angeles Unified School District, WR-686- IES.
14. Holden R. R. (1992). Association between the holden psychological screening inventories in a non-clinical sample. *Psychological Reports*, 1039-1042.
15. Stormshak E. A, Bierman, K. L., McMahon, R. J, and Lengua, L. J. (2000). The over-scheduled child: avoiding the hyper – parenting trap. *The brown university. Child and adolescent behavior letter*, 29, 17-29.



بیشتر از نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه (۴۶/۹) است. این یافته با بسیاری از مبانی نظری در توافق است و به شکل مناسبی یافته‌ها و گفته‌های پژوهش‌های پیشین را تأیید می‌کند. از این میان می‌توان به یافته‌های مددی (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی و مقایسه مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس و پیشرفت درسی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه و دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه» اشاره کرد. نتایج این پژوهش نیز نشان داده بود، بین دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه و دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه از نظر میزان مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت درسی تفاوت معناداری وجود دارد و دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه، مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت درسی بالاتری نسبت به دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه دارند. در این پژوهش متغیرهای دیگری مانند عزت‌نفس نیز سنجیده شده بودند که تفاوت‌ها در آن‌ها معنادار نبود [مددی، ۱۳۸۳].

در مطالعات ویلکسون (۲۰۰۳) عنوان شده است، علاوه بر انجام فعالیت‌های گروهی، ارتباط دانش‌آموزان با معلم، در کلاس‌های چندپایه عمیق‌تر است. معمولاً دانش‌آموزان به مدت چندسال با یک معلم در ارتباط هستند و این فرصت مناسبی است تا دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر به افراد پایه‌های پایین‌تر در یادگیری کمک کنند. همین امر باعث تقویت آموخته‌های خودشان هم می‌شود. همچنین براساس تشخیص معلم، دانش‌آموزان این کلاس‌ها در بیش از یک امتحان دو نوبته ارزشیابی می‌شوند و هر کودک می‌تواند به شیوه خودش یاد بگیرد. در مجموع استفاده از کلاس‌های چندپایه، از نظام مبتنی بر فرد یا یک پایه تحصیلی، مؤثرتر و ارزان‌تر است [ویلکسون، ۲۰۰۳]. در مطالعات پیشین پژوهشی یافت نشد که متغیر وابسته آن با متغیرهای این تحقیق یکسان، و نتایج آن متضاد با یافته‌های این پژوهش باشد. ولی تحقیقاتی یافتیم که در آن‌ها کلاس‌های چندپایه و تک‌پایه تفاوت معناداری نداشتند. سیمون و یمن (۱۹۹۵) ضمن بررسی ۶۵ تحقیق در زمینه کلاس‌های چندپایه که ۳۳ مورد آن در ایالات متحده انجام شده بود، نتایج تست‌های استاندارد را در کلاس‌های تک‌پایه یا چندپایه مقایسه کردند و نتیجه گرفتند که عموماً نتایج برابر هستند. بررسی تأثیرات کلاس‌های چندپایه در کالیفرنیا نشان داد، این کلاس‌ها ضمن اینکه فرصت خوبی برای انجام کار گروهی و برقراری ارتباط دانش‌آموزان با یکدیگر فراهم می‌کند، رشد اجتماعی و درک متقابل آنان را نیز بالا می‌برند و زمینه‌ساز دوستی با دانش‌آموزان پایه‌های دیگر می‌شوند. خود این امر سبب می‌شود، دانش‌آموزان به نظرات یکدیگر اهمیت بدهند. براساس نتایج این فرضیه و تأیید نتایج پژوهش‌های پیشین می‌توان گفت که کلاس‌های چندپایه نسبت به کلاس‌های تک‌پایه تأثیر مناسب‌تری بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان دارند.